

حاشیه‌نشینی شهری و بازتاب آن بر شخصیت کودکان نمونه موردی شهرک الله‌آباد کرمان

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۰

کد مقاله: ۵۹۹۹۲

زهرا ظهیری^۱، سیاوش رشیدی شریف‌آباد^{۲*}

چکیده

افزایش رشد جمعیت بدون مدیریت و نظارت شهری، شهرها را با مشکلاتی چون به وجود آمدن محله حاشیه‌نشین در اطراف شهر روبرو کرده است. این بسترها به دلیل استقرار تعداد زیادی از افراد بومی و غیربومی درون خود و به دلیل بی‌توجهی و برخوردار نبودن از خدمات شهری مناسب، وضعیت نابسامان و پایین بودن کیفیت زندگی، یکی از معضلات شهرنشینی پایدار محسوب می‌شوند. این مناطق شهری قابلیت بالایی برای انواع آسیب‌ها و مسائل اجتماعی دارند. حاشیه شهر در صورت رها شدن می‌تواند آسایش و امنیت شهر را تحت تأثیر قرار دهد. هدف پژوهش حاضر، معرفی حاشیه نشینی و بررسی بازتاب آن بر روحیه کودکان است. محله مورد بررسی شهرک الله‌آباد کرمان می‌باشد. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی است که داده‌های مورد نظر از طریق مطالعه میدانی و کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده، پرسشنامه ماریاکوآکس در روش پیمایشی مورد استفاده قرار گرفته و سپس برحسب بخش چهارم فایل پرسشنامه نتایج تحقیق بررسی شده است. نتیجه، بیانگر ارتباط مستقیم حاشیه‌نشینی شهری و متأسفانه افسردگی کودکان است. مهمترین دلیل به‌وجود آمدن حاشیه‌های شهری در کرمان مهاجرت از محیط‌های کوچک روستایی-شهری می‌باشد که خود ناشی از جاذبه‌های اقتصادی شهر کرمان، دافعه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهرها و روستاهای اطراف بوده است و در نهایت باعث حاکم شدن فرهنگ فقر در این بسترهای شهری و به تبع آن موجب بروز انواع ناهنجاری‌های شهری، اشتغال افراد حاشیه نشین در مشاغل کاذب، وجود ساخت و سازهای غیرمجاز، افزایش جرم و جنایت، اثرات نامطلوب فرهنگی، فردی، اجتماعی، اقتصادی، آلودگی محیط زیست شهری و غیره شده است.

واژگان کلیدی: کودکان، رشد جمعیت، حاشیه‌نشینی، افسردگی

۱. کارشناس ارشد مهندسی معماری، گروه معماری، مؤسسه آموزش عالی بعثت، کرمان، ایران

۲. استادیار دانشگاه، گروه معماری، واحد شهریارک، دانشگاه آزاد اسلامی، شهریارک، ایران (نویسنده مسئول)

جمعیت شهری در سده‌ی اخیر رشد شتابان و چشمگیری داشته است. روند شهرنشینی سریع از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۷۵ تحت تأثیر سه عامل مهاجرت روستائیان به شهرها، رونق شهرها و به تبع آن رشد سریع جمعیت شهری و همچنین به هم پیوستن چند روستا قرار گرفته است. وقتی جمعیت افزایش می‌یابد و شهرنشینی شتاب می‌گیرد، از رویارویی شهر و روستا، در محیط پیرامونی شهرها، فضاهای جدید سکونت ایجاد می‌شود که به شدت تحت تأثیر فضاهای شهری قرار دارد. اینگونه فضاهای سکونت "پیراشهر" نامیده می‌شود. از نگاه جغرافیای شهری، شهر به محدوده فیزیکی آن خلاصه نمی‌شود. به بیان دیگر، حیات شهر به ارتباط آن با پیرامون وابسته است و دوام و پایداری شهر تنها ناشی از درون شهر نیست و چه بسا این نیرو و توان را بیرون از محدوده و مرز خویش کسب می‌کند. کناره و لبه شهری، مکان دخالت فعالیت‌ها، سازمان‌ها، مناظر شهری و روستایی و نیز گذر از نواحی روستایی به شهری، فرآیند پیراشهرنشینی را شکل می‌دهد. (قربانی‌پارام، ۱۴۰۱: ۶۶)

منظور از امنیت رهایی از خطر تهدید، نبود ترس از عوامل بیرونی است که تنها به حوزه‌های اقتصاد، فرهنگ و سیاست مربوط نمی‌شود. بلکه تمام جنبه‌ها و شئون اجتماعی را در برمی‌گیرد. امنیت حق طبیعی هر فرد و اولین شرط ادامه زندگی و همزیستی است. نیاز به امنیت بلافاصله بعد از نیازهای فیزیولوژیک انسان مطرح شده است. (باری، هزارجریبی، ۱۳۹۱: ۴۰۰) صنعتی شدن افسارگسیخته و شهرنشینی بدون شهرگرایی و توسعه پایدار سبب ایجاد محله‌هایی شده است که می‌توان آن‌ها را محله‌های فوق بدخیم دانست. محله فوق بدخیم محله ناامنی است که در آن مجموعه‌ای از آسیب‌های اجتماعی همچون اعتیاد، خرید و فروش مواد مخدر، طلاق، نزاع‌های دسته جمعی، قتل، تجاوز به عنف و سرقت وجود دارد و این مسائل در این محله‌ها به گونه‌ای در هم پیچیده است که نمی‌توان آن‌ها را به سادگی از هم تفکیک کرد. این محله‌ها با وجود مساحت کم، میزان زیادی از آسیب‌های اجتماعی و جرائم را به خود اختصاص می‌دهند و ساکنان آنها احساس امنیت پایینی دارند. افراد ساکن در این محله‌ها تقریباً در هیچ‌جایی احساس امنیت نمی‌کنند. بخش عمده‌ای از این نقاط در حاشیه‌های شهر و میان افراد حاشیه نشین شکل گرفته است. (دهقانی ۱۳۹۸: ۱۱۸) در فرآیند شهرنشینی از یک طرف شاهد شهری هستیم که دارای مناطق پرزرق و برق و فریبنده‌ای است؛ دارای مجموعه‌ای گیج کننده از ساختمان‌های زیبا و امروزی، هتل‌ها، رستوران‌های شیک، مجلل و غیره. از طرف دیگر هزاران هزار ساکن شهر در حاشیه‌ی رشد اقتصادی قرار می‌گیرند که حق آنان برای تملک و استفاده از شهر به همان اندازه موجه و مشروع است اما غالباً کمتر مورد عنایت قرار می‌گیرند. مهاجران، محرومان و بینوایان روز به روز در مراکز شهری بیشتر می‌شوند. مجاورت و همجواری زندگی‌های سرشار از ثروت و نعمت با معیشت‌های بخور و نمیر در فضاهای عمومی شهری، زندگی پرتحرک خیابانی، جریان بی‌وقفه عابران پیاده، تصویر هزار تکه و درهم و برهمی را در شهر بوجود آورده است. (مشکین‌فر و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۲۱) احساس امنیت از قرار گرفتن انسان در شرایط محیطی به مثابه نوعی ادراک روانی حاصل می‌شود که از یک ساختار شهری و فرهنگی خاص با ساختار فرهنگی و اجتماعی دیگر متمایز گردد. بر این اساس، شکل‌گیری احساس امنیت از لحاظ روانشناختی وابسته به شرایط محیط شهری، کنش‌ها و حوادث آن از یک سو و از سوی دیگر نوع برداشت و سطوح ادراکی در آن ساختار فرهنگی است. همین دو اصل آن را از شهری به شهری و از ملیتی تا ملیت دیگر متفاوت می‌کند. (مشکین‌فر و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۲۷)

شهرک الله‌آباد کرمان شهرکی در حومه شهر می‌باشد که از موارد گفته شده مستثناء نیست. حاشیه نشینی در شهرک الله‌آباد با اخبار ناراحت کننده از فقر، ناهنجاری و اعتیاد عجین شده است. مردم حاشیه نشین، مردمی ساده، بی اطلاع از قوانین، تعداد زیادی از آنها آلوده به مواد مخدر، اکثریت کم‌سواد، قشر کارگر، مهاجر و حتی بیکار از شهرها و روستاهای مختلف یا افغان هستند. هرآنچه در پژوهش حاضر نوشته شده، دیده و لمس شده است. وقتی با کودکان ساکن الله‌آباد صحبت شده، همه‌ی موارد ذکر شده در آنها نمایان بوده است.

کودکان دارای فرهنگ، پوشش و موقعیت تحصیلی خوب هم بوده‌اند اما تعداد آنها اندک بوده است. این قشر کوچک بومی شهر کرمان و به دلیل ارزانی زمین آنجا صاحب خانه بزرگ‌تر و وسیله نقلیه شده و راحت‌تر زندگی می‌کردند. ساخت و سازهای غیر استاندارد و غیر قانونی تا جایی پیش رفته که حتی بعضی از خانه‌ها محروم از تجهیزات اولیه (آب، برق و فاضلاب) هستند. سوآلی در ذهن شکل می‌گیرد؛ در محله‌هایی که زندگی جریان دارد، ازدواج رخ می‌دهد، کودکان متولد می‌شوند و رشد می‌کنند؛ چرا نظارتی وجود ندارد؟ وقتی از کودکی پرسیده شده محل زندگی‌ات را دوست داری؟ پاسخ مثبت داده است؛ اما وقتی از علایقش صحبت کرده است از پارک‌های درون شهری کرمان و سالن فوتبال و والیبال دانشگاه گفته است؛ بماند که این کودکان توان مالی برای کرایه ماشین ندارند چه برسد به اجاره زمین. آنها حتی نمی‌دانند روستانشین یا شهرنشین هستند. وقتی برای شروع پژوهش وارد شهرک الله‌آباد شدیم گمان می‌رفت جزئی از شهر کرمان و شهرکی به اسم الله‌آباد است؛ اما پس از آن با سردر مکانی با عنوان دهیاری (تصویر شماره ۲) مواجه و ذهن دچار اختلال شد. پس چگونه توقع داریم کودک حاشیه نشین احساس بی‌هویتی نکند و خود را شهرنشین بداند.



تصاویر شماره ۱ و ۲- ورودی شهرک اله‌آباد و همجواری دهیاری و شورای اسلامی روستای اله‌آباد
(مأخذ: نویسنده، ۱۴۰۰)

شهرک اله‌آباد یا چهارده معصوم، روستایی است از توابع بخش مرکزی شهرستان کرمان در استان کرمان، ایران که تصویر شماره ۱ ورودی روستا را از بزرگراه بعثت و تصویر شماره ۲، همجواری دهیاری و شورای اسلامی روستای اله‌آباد (چهارده معصوم) را نشان می‌دهد. شهرک اله‌آباد، از توابع بخش مرکزی شهرستان کرمان، دهستان اختیار آباد است که زمین‌های این شهرک در فاصله ۴۰۰ متری روستای شیشه‌گر و در کنار بزرگراه واقع شده است. در گذشته کوره‌های آجرپزی و تملک زمین‌ها شخصی بوده است. بعد از گسترش شهرنشینی و تعطیل شدن کوره‌های آجرپزی صاحبان این زمین‌ها شروع به فروش زمین‌هایشان به صورت قطعات کوچک به اشخاص کم درآمد و مهاجر که اکثراً بضاعت مالی نداشتند و به امید پیدا کردن کار به شهر مهاجرت کرده بودند، نمودند. این خرید و فروش طبق سندهای دستی موجود از سال ۶۴ و حتی قبل‌تر رواج داشته و مردم به چشم همان روستائینی در آنجا ساکن شده‌اند و کم‌کم اقدام به ساخت خانه و سرپناه کرده‌اند. بعد از ساخت ترمینال جدید شهر کرمان توجه ارگان‌های دولتی به این روستا جلب شده است. ترمینال جدید مسافربری شهر کرمان روبروی این روستا واقع شده است.

۲- پیشینه پژوهش

در زمینه حاشیه نشینی شهری، سرزندگی و افسردگی شهرنشینان بالاخص کودکان تحقیقات گسترده‌ای در سال‌های اخیر در سطح بین‌المللی و داخلی انجام شده است؛ نتایج چند مورد را به اختصار بیان می‌کنیم: نتایج حاصل شده از تحقیق رضایی و کمانداری (۱۳۹۳) بررسی و تحلیل علل شکل‌گیری حاشیه نشینی در شهر کرمان، نمونه مورد مطالعه: محلات سیدی و امام حسن آن‌ها را به مسئله سرنوشت ساز مهاجرت در پی شغل بهتر و کماکان آسایش بیشتر عامل اصلی ایجاد حاشیه‌نشینی هدایت کرد.

طی تحقیق شاطریان و همکاران (۱۳۹۳) هرچه پایگاه اجتماعی- اقتصادی خانواده‌ها بالاتر و بهتر باشد، به همان میزان فعالیت‌های فراغتی کودکان و نوجوانان افزایش پیدا می‌کند و گذران اوقات فراغت آنها پربارتر می‌گردد و همچنین بین میزان، نحوه و نوع فعالیت فراغتی کودکان دو منطقه تفاوت معناداری وجود دارد. بنا بر نتایج تحقیق انجام شده کودکان و نوجوانان حاشیه‌نشین در زمان فراغت به دلیل تنگی معیشت و یا فقر فرهنگی خانواده، مجبور به کار کردن هستند و گاهی هم دچار انحرافات اجتماعی و مشکلات جسمی می‌شوند. از آسیب‌های دیگر در رابطه با اوقات فراغت، استفاده از رسانه‌های غربی، اینترنت و وسایل ارتباط جمعی دیگر می‌توان نام برد.

زمانی و همکاران (۱۳۹۶) در بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری دلبستگی مکانی در محله‌های شهری، نمونه موردی: محله‌های دردشت، چهارسوقی‌ها، ملاصدرا و دوطفان شهر اصفهان به ۸ درون مایه اصلی صمیمیت اجتماع محلی، هویت اجتماعی، مذهب، شأن، تداوم فضا - زمان، لذت بصری، پاسخ‌دهندگی و طول مدت سکونت را به عنوان زمینه‌ها و علل اصلی دلبستگی مکانی ساکنین به محله‌های شهری اصفهان نام بردند.

مصلی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۷) در ارزیابی تأثیر عناصر کالبدی معماری بر ارتقای سرزندگی شهروندان در معابر شهری، مورد مطالعاتی: خیابان عقیق‌آباد در شهر شیراز به این نتیجه رسیدند که توجه به نوع مصالح و رنگ نمای ساختمان‌ها، وجود پارکینگ مناسب برای مراجعین، هماهنگی و تناسب بصری ساختمان‌های مجاور معبر، وجود فضاهای سبز و ورزشی و تفریحی و همچنین توجه به وجود کاربری‌های خدماتی در عصر و شب، مهم‌ترین نکات کلیدی هستند که در جهت ارتقاء سرزندگی شهروندان در معابر شهری باید مدنظر معماران و طراحان شهری قرار گیرند.

به گفته حقی و نجفی (۱۳۹۸) پس از مطالعه‌ی جامعه‌شناختی بی‌ثباتی هویتی فرزندان در جریان اعتیاد والدین عواملی مانند دریافت نکردن حمایت عاطفی از سوی خانواده، بی‌اعتنایی والدین، انتقال حس تحقیر به فرزندان، مقایسه‌ی والدین معنادار با دیگران، بی‌مسئولیتی والدین، بهت فرزند از نابسامانی خانواده، گسیختگی روابط فرزندان با والدین و درنهایت، کنترل شدید فرزندان سبب بروز بی‌ثباتی هویتی در آنها می‌شود از این‌رو به منزله‌ی آسیب جامعه‌شناختی موارد ذکر شده مهم می‌شود. برای جبران چنین اثرات نامطلوبی، فرزندان به سه راهبرد حذف مسئله، مقابله‌ای و ترمیمی تمسک می‌جویند که نتیجه‌ی آن به صورت

عوارض روحی، اجتناب از جامعه، بی‌حوصلگی، تحریک‌پذیری، بروز خشونت‌های کلامی و جسمی، بی‌مسئولیتی همه جانبه از سوی والدین، محرومیت از امکانات اولیه حرمان معنوی، رنج ناشی از مقایسه، لجبازی با اعضای خانواده و اعتمادبه‌نفس تخریب شده در فرزندان بروز می‌یابد.

طبق پژوهش دهقان (۱۳۹۸) با عنوان تیپولوژی مناطق ۱۵ گانه شهری اصفهان با تأکید بر آسیب‌های اجتماعی محله‌های فوق بدخیم این نتیجه حاصل شد که موج بزرگی از مسائل اجتماعی و جرائم شهری در پیش است که اگر خود را در برابر آنها آماده نکنیم مسائل امروز در برابر گستردگی و شیوع مسائل پیش رو بازیچه‌ای بیش نیست. برتری عددی جوانان مناطق حاشیه‌نشین و محله‌های فوق بدخیم به‌زودی تعادل شهر را به‌سمت آنها بر هم خواهد زد و شهر را با موج بزرگی از بزهکاری و جرائم روبه‌رو خواهد کرد.

نتایج حاصل از پژوهش موسوی و همکاران (۱۳۹۹) در بررسی اثرگذاری فضای شهری بر ایمنی و احساس امنیت اجتماعی کودکان (نمونه موردی: بخش مرکزی شهر تهران) اینگونه به دست آمد، کیفیت کف سازی معابر، نحوه طراحی مسیرهای سواره و پیاده، توجه و دقت رانندگان هنگام رانندگی، وجود فضاهای غیر قابل دفاع، نورپردازی و ایجاد نقاط روشن و فعال در فضاهای شهری و ایجاد مراقبت‌های بصری تأثیر معناداری بر ایمنی و احساس امنیت کودکان در فضاهای شهری می‌گذارد. سهراب‌زاده و سعیدی (۱۳۹۹) یافته‌ها و نتایج الگوی عوامل مؤثر بر بزهکاری کودکان و نوجوانان را در قالب هفت عامل، مشکلات خانواده، مشکلات نظام تعلیم و تربیت، مشکلات نظام قضایی، فعالیت‌های فراغتی سازمان نیافته، مسائل اجتماعی، مسائل فرهنگی و شرایط زیستی، شناسایی و ارائه کردند.

در فضای مجازی نیز بسیاری از سایت‌ها از نتایج افسردگی کودکان به عوامل ذکر شده اشاره می‌کنند؛ انزوای اجتماعی، ناراحتی یا کاهش میزان لذت و احساس گناه، اکثر متخصصان معتقدند این بیماری در کودکان به‌دلیل منع کودک از بازی دلخواهش ایجاد می‌شود.

پژوهش‌های انجام شده، نشان می‌دهد که سال‌های اولیه زندگی کودک، در شکل‌گیری شخصیت او از اهمیت زیادی برخوردار است. بسیاری از نمونه‌های موجود، گواه این است که شرایط پرورشگاه‌هایی که به صورت مؤسسه‌ای و جدای از فضای شهری اداره می‌شوند پاسخگوی نیاز کودکان بی‌سرپرست نمی‌باشند. در بحث سکونت، احساس تعلق کودک به محیطی که در آن زندگی می‌کند مطرح می‌شود؛ کودک باید عضو جامعه بودن را احساس کند. کودکان سرمایه ملی هر جامعه هستند، کودکانی که در خانواده‌های حومه‌ای شهر به دنیا می‌آیند با کودکان شهری هیچ فرقی ندارند تنها فرق آنها در مکان و بستری است که رشد می‌کنند پس شخصیت و آینده هر کودک با کیفیت محیطی که در آن پرورش می‌یابد، ارتباط مستقیم دارد.

۳- مبانی نظری

۳-۱- کودک کیست؟

میرهادی اینگونه می‌نویسد هنگامی که از من خواسته شد یک مقدمه ی ده دقیقه‌ای برای موضوع کودک کیست بنویسم؛ اولین چیزی که به ذهنم آمد این بود که چرا باید چنین سوالی مطرح شود؟ آیا ما نمی‌دانیم کودک کیست؟ ما خود زمانی کودک بوده ایم؛ ما خود بچه داریم و حتی فرزندان بزرگسالی داریم که شاهد کودکی، بلوغ و رشد آن‌ها بوده ایم؛ ده‌ها سال است که ما با کودکان بوده ایم، برای آن‌ها کار کرده ایم و هنوز هم کار می‌کنیم بنابراین ما باید جواب این سوال را بدانیم و پاسخ به آن باید برای ما بسیار آسان باشد اما واقعیت این است که جواب این سؤال چندان هم آسان نیست و چنان که تجربه نشان داده، خیلی هم مشکل است؛ هر چه بیشتر می‌اندیشیم و مطالعه می‌کنیم، جنبه‌های بیشتری از این سؤال کشف و آشکار می‌گردد. پاسخ این سؤال به اندازه‌ی خود فلسفه‌ی زندگی پیچیده و به اندازه‌ی فرهنگ‌ها و ساختارهای اجتماعی گوناگون، مرکب است و تقریباً به تمامی شاخه‌های دانش بشری مرتبط است. کودک یک نماد و دلیلی بر وحدت خلقت است. تمامی کودکان جهان از لحظه‌ی شروع زندگی و در طی مراحل بزرگ شدن خود دارای الگوی رشد همانندی هستند. آنها نمادهای انواع متفاوت جوامع انسانی و فرهنگ‌های گوناگون نیز هستند. کودکان ضمن رشد، به تدریج رفتار، اندیشه‌ها، عقاید و طبقه‌ی اجتماعی خود را فرا گرفته، هویت فرهنگی و اجتماعی خاص خود را کسب می‌کنند. تفاوت‌های فردی در آن‌ها نیز مانند بزرگسالان وجود دارد. کودکان از نظر روحی و جسمی، در منش، شخصیت و رفتار با هم تفاوت دارند. هر یک از آن‌ها مظهر جدیدی از هستی هستند. گفته‌اند که: «با تولد هر کودک، جامعه‌ی انسانی تولدی دوباره می‌یابد.» فرهنگ یک جامعه، شکل دهنده‌ی خصلت و شخصیت کودک است. (میرهادی، ۱۳۸۲: ۲۸)

۳-۲- جمعیت

به سکنه‌ی یک روستا، شهر، ایالت و کشور جمعیت گفته می‌شود و اندازه جمعیت تحت تأثیر عوامل مختلفی می‌تواند تغییر کند اگر تعداد افرادی که متولد می‌شوند بیشتر از افرادی که می‌میرند باشد یا تعداد افرادی که برای زندگی به شهری می‌آیند از تعداد افرادی که از آن شهر می‌روند بیشتر باشد؛ جمعیت آن شهر افزایش و اگر برعکس اتفاق بیفتد جمعیت آن شهر کاهش می‌یابد.

در سال های اخیر پژوهش های جمعیت‌شناختی به ویژه در زمینه تغییرات و دگرگونی های جمعیتی مورد توجه و مطالعه بسیاری از پژوهشگران و اندیشمندان قرار گرفته است. از جمله دلایل این توجه روز افزون، می‌توان به استفاده گسترده برنامه‌ریزان و سیاستگذاران در برنامه‌ریزی‌ها و سیاستگذاری‌های کلان جوامع اشاره نمود. در این میان ساختار جمعیتی و تحولات آن در طول زمان به عنوان یکی از مسائل مهم و اثرگذار بر بخش های مختلف جوامع از اهمیت خاصی برخوردار است. به طوری که بی‌توجهی به مسأله ساختار جمعیتی می‌تواند باعث بروز ناهماهنگی‌ها و ایجاد مشکل در برنامه ریزی‌ها شده و در نهایت، به عدم تعادل در بخش‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی منجر شود. در این میان، یکی از بخش‌هایی که بیشترین اثرپذیری را از ساختار جمعیتی جوامع خواهد داشت، بخش اقتصادی است. به طوری که ساختار جمعیتی می‌تواند بر سرمایه‌گذاری، پس‌انداز، مصرف و در نهایت رشد اقتصادی اثرگذارد. با نگاهی به پژوهش‌های انجام شده در زمینه مسائل جمعیت‌شناختی متوجه می‌شویم که بیشتر این پژوهش‌ها بر مسائلی همچون رشد جمعیت، باروری و مهاجرت متمرکز شده و کمتر به حوزه های اقتصادی پرداخته است. (مهراگان، رضایی، ۱۳۸۸: ۱۳۸)

۳-۳- تغییرات جمعیت، مهاجرت و ایجاد حاشیه‌نشینی در کرمان

طبق اطلاعات برداشته شده از وبسایت رسمی مرکز آمار و جدول شماره (۱)، جمعیت شهری کرمان در سال ۱۳۸۵ (۲/۶۵۲/۴۱۳) نفر، در سال ۱۳۹۰ (۲/۹۳۸/۹۸۸) نفر جمعیت شهری و (۱/۲۴۲/۳۴۴) نفر جمعیت روستایی و در سال ۱۳۹۵ (۳/۱۶۴/۷۱۸) جمعیت شهری و (۱/۳۰۲/۵۵۷) نفر جمعیت روستایی داشته است. طبق آمار داده شده و جدول شماره (۲)، طی پنج سال، جمعیت شهری کرمان ۲۲۵/۷۳۰ نفر و جمعیت روستایی آن (۶۰/۲۱۳) نفر افزایش یافته است. این در حالی است که جمعیت شهری در کرمان ۲/۴ برابر جمعیت روستایی در سال ۱۳۹۰ بوده است. شرایط موجود در شهر و روستا نشان می‌دهد این آمار، آمار نهایی است و فقط تعداد ساکنین شهر و روستا را مورد بررسی قرار داده است. با توجه به سن پایین ازدواج در روستا و بی‌توجهی به تعداد فرزندان در یک خانواده تنها مهاجرت است که می‌تواند رشد جمعیت را اینگونه پیش ببرد. انسان موجودی کمالگرا است که به شرایط حاضر قانع نمی‌شود و در جستجوی شرایط بهتر سپری می‌کند. طبق آمار مهاجرت ثبت شده در وبسایت مرکز آمار و جدول شماره (۱) در سال ۱۳۸۵ (۳۶۵/۲۴۷) نفر، در سال ۱۳۹۰ (۱۶۸/۵۵۱) نفر و در سال ۱۳۹۵ (۹۴/۹۴۴) نفر از کرمان مهاجرت کردند؛ به دلایل جستجوی کار، جستجوی کار بهتر، انتقال شغلی، انجام تحصیل و خدمت، دستیابی به مسکن مناسب‌تر، پیروی از خانوار و ... طبق آمار ثبت شده و جدول شماره (۲)، هرچه شهر از نظر فرهنگ، امکانات، نظم و زیبایی بصری شهری پیشرفت کرده، آمار مهاجرت از شهر کاهش یافته است؛ که این آمار چشمگیر یک کاهش ۷۴ درصدی می‌باشد. طبق تحقیقات انجام شده مردم روستا و شهرهای کوچک به دلیل نبودن کار و امکانات رفاهی به شهرهای نزدیک، بزرگ و صنعتی مهاجرت می‌کنند و در جستجوی کار، امکانات رفاهی و زندگی بهتر هستند. طی پژوهش های متعدد ثابت شده است که این اتفاق تکرار شونده در سراسر دنیا رخ می‌دهد، اما در همه اوقات سرانجام شیرینی ندارد.

جدول شماره ۱- آمار جمعیتی شهر کرمان (مأخذ: نویسنده، ۱۴۰۰)

زمان (سال)	جمعیت شهری	جمعیت روستایی	جمعیت مهاجر
۱۳۸۵	۲/۶۵۲/۴۱۳	ارائه نشده	۳۶۵/۲۴۷
۱۳۹۰	۲/۹۳۸/۹۸۸	۱/۲۴۲/۳۴۴	۱۶۸/۵۵۱
۱۳۹۵	۳/۱۶۴/۷۱۸	۱/۳۰۲/۵۵۷	۹۴/۹۴۴

جدول شماره ۲- رشد جمعیت کرمان (مأخذ: نویسنده، ۱۴۰۰)

بازه زمانی (سال)	رشد جمعیت شهری (تعداد)	رشد جمعیت روستایی (تعداد)	رشد مهاجرت شهری	درصد رشد شهری	درصد رشد روستایی	درصد رشد مهاجرت
۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰	۲۸۶/۵۷۵	-----	-۱۹۶/۶۹۶	+٪۱۰	-----	-٪۵۳
۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵	۲۲۵/۷۳۰	۶۴/۲۱۳	-۷۳/۶۰۷	+٪۷	+٪۵	-٪۴۳
۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵	۵۱۲/۳۰۵	-----	-۲۷۰/۳۰۳	+٪۱۹	-----	-٪۷۴

۳-۴- محیط و اختلالات روانی

سازمان بهداشت جهانی، سلامت روان را اینگونه تعریف می‌کند: وضعیتی از سلامتی که در آن هر فرد قادر به درک توانایی‌های خویش است، می‌تواند با فشارهای عادی زندگی مقابله کند، کارآمد و باثبات بوده و توانایی مشارکت در جامعه را دارد. بیماری روانی به طیف وسیعی از شرایط سلامتی اشاره دارد که موجب تغییر در تفکر، احساسات و یا رفتار می‌شود و زمانی به اختلالات روانی تبدیل می‌شود که این تغییرات موجب مشکلاتی در توانایی فرد برای برقراری روابط اجتماعی و شرایط کار و

فعالیت روزمره شود. اختلالات روانی طیف وسیعی دارند که در رابطه با محیط سه مورد از مهمترین آنها شامل " استرس"، "اضطراب" و "افسردگی" می‌باشد. مطالعات در حیطه روانشناسی سلامت نشان داده است که بین کیفیت طراحی محلات و محیط‌های مسکونی و اختلالات روانی و آسیب‌های اجتماعی مانند خودکشی و نارسایی‌های روانی رابطه مستقیمی وجود دارد؛ که به اختصار چند مورد بیان شده است: (حکیمیان، مظهری، ۱۳۹۸: ۱۲)

۳-۴-۱- نفوذپذیری و حرکت پیاده

فضاهای فعال، محورهای پیاده و دوچرخه که مشوق فعالیت‌های بدنی هستند می‌توانند به پیشگیری و درمان افسردگی کمک کنند. بیشتر مطالعات گزارش کرده‌اند که فعالیت بدنی بیشتر با کاهش خطر ابتلا به افسردگی همراه است. (حکیمیان، مظهری، ۱۳۹۸: ۱۳) نفوذپذیری حسی که بنتلی^۱ به آن بدین شکل اشاره کرده است، او می‌گوید زمانی که در فضایی هستید و احساس می‌کنید پشت این پوسته خبری است؛ اینکه فضا بتواند حس آن پشت را برساند در آن فضا حضور بهتری دارید؛ مثلاً شما از معبری عبور می‌کنید احساس می‌کنید مقداری جلوتر راهی به بیرون هست که این یک احساس است، ولی دیده نمی‌شود یا به طور مثال می‌بینید که تعدادی خانه مشابه در جوار هم هستند اما اگر روی دیواره یکی از این خانه‌ها نقاشی‌های کودکانه کشیده شده باشد، شما احساس می‌کنید که این نه خانه بلکه یک مهدکودک است (نفوذپذیری حسی)، اما اگر به‌جای درج نقاشی روی دیوار، پنجره‌ای به داخل گشوده شود و بازی بچه‌ها در پس دیوار را مشاهده کنید، به کاربری آن پی می‌برید (نفوذپذیری بصری)؛ اما با گشایش راهی به داخل بنا در می‌یابید، آنجا مهدکودک است. (نفوذپذیری دسترسی) بی‌تردید دو شیوه نفوذ حسی و بصری به شرط رعایت کم و کیف آن به پاسخ‌دهی بهتر فضای خلق شده می‌انجامد. (معینی، ۱۳۹۹)

۳-۴-۲- کیفیت عرصه‌های همگانی

قاسم‌زاده و همکاران (۱۳۹۰) در صدد آن بودند تا کیفیت فضاهای عمومی و شهری و مجازی را در پیدایش افکار عمومی و همچنین میزان امنیت و رضایت شهروندان از این فضاها مورد مطالعه قرار دهند. فضای عمومی شهر که در آن تعامل و تقابل اجتماعی میان افراد از قشرها، سنین و نژادهای مختلف صورت می‌گیرد؛ به عبارت دیگر فضای عمومی، فضایی است که ما با دیگری و دیگران اشتراک داریم. جامعه شکوفا و سالم نیاز به چنین فضایی دارد که در جهت آسایش و رفاه گروه‌های مختلف عمل نموده و رفتارهای مطلوب را تشویق و رفتارهای ناپسند را از خود دور کند. از دیدگاه برنامه‌ریزان شهری، فضاهای عمومی، نقش‌های زیادی در جامعه شهری دارند. از جمله: ارزش اقتصادی فضاهای عمومی، نقش آنها در شکل‌دهی به شخصیت کودکان و جوانان، سلامت فیزیکی و روانی، کاهش جرم و جنایت، ایجاد تنوع و سرزندگی در جامعه شهری، ایجاد تحرک درون فضاهای شهری و غیره. نقش اصلی و حیاتی فضاهای عمومی شهر، فراهم آوردن امکاناتی برای تسهیل روابط انسان‌ها با یکدیگر است. نبود چنین فضایی در شهرهای ما بیان‌کننده این است که مفهوم شهروندی هنوز برای جامعه شهری یک مفهوم مبهم و نامأنوس است. چرا که مردم عادت کرده‌اند در نبود فضاهای عمومی، آزادی را فقط در چارچوب خانه‌های خود و به قولی همان "چهاردیواری اختیاری" ببینند. نتیجه آن شهروندانی خنثی و بی‌تفاوت است که هیچ عکس‌العملی نسبت به سرنوشت شهر و جامعه خود ندارند. هرچه قدر امکانات فضاهای عمومی در مناطق مسکونی بهتر باشد و استفاده‌کنندگان از فضاهای عمومی احساس امنیت بیشتری کنند باعث افزایش مشارکت آنان در فضاهای عمومی خواهد شد. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین دو متغیر (فضاهای عمومی و افکار عمومی) وجود دارد. معمولاً انسان‌ها در فضاهای عمومی شهر نظیر (کافه‌ها، میادین، صف‌های نانوائی، پارک‌ها و ...) با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و همین برقراری ارتباط باعث به وجود آمدن کنش متقابل و شکل‌گیری افکار عمومی در مردم می‌شود. (قاسم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۳)

۳-۴-۲-۱- فضاهای نابسامان عمومی در شهرک الله‌آباد کرمان

به طور کلی فضاهای باز و عمومی، فضایی هستند که بستری برای جریان زندگی جمعی می‌باشند؛ یعنی جایی که مردم در آن حضور دارند. فضای باز جمعی، فضایی است که همه مردم اجازه دارند به آن دسترسی داشته باشند. در این فضا فرصت آن وجود دارد که برخوردهای از پیش تعیین نشده به وقوع بپیوندد و افراد در یک محیط اجتماعی با هم دیدار و مذاکره داشته باشند؛ بنابراین شرط اساسی برای اینکه یک فضای عمومی، فضای ایده‌آل جمعی تلقی شود این است که در آن تعامل و تقابل اجتماعی سالم و لذت‌بخش صورت گیرد. مهمترین فضاهای عمومی عبارتند از میادین، معابر و خیابان‌ها.

3. Bentley



تصاویر شماره ۳ - تصاویری از فضاهای عمومی روستای الله‌آباد، (مأخذ: نویسنده، ۱۴۰۰)

در همین فضاهای شهری که در تصویر شماره ۳ می‌بینید؛ زندگی شکل گرفته است و ظلم و جنایت رخ می‌دهد. کودکانی در این روستا هستند که از مصاحبه حس خوب می‌گیرند؛ دوست دارند از گذران زندگی سخت و ناخوشایندی‌ها مثل اجبار به دست‌فروشی توسط پدر را به اشتراک بگذارند. این کودکان تنهایی و جدایی از جامعه برایشان عادی شده اما در ناخودآگاهشان احساس خلاء می‌کنند. پس از بررسی پرسشنامه‌ها نتیجه نشان داد که این کودکان در گروه کودکانی قرار دارند که در معرض خطر ابتلا به افسردگی هستند.

۳-۵- آسایش اقلیمی

کیفیت آسایش اقلیمی محیط از طریق دسترسی به نور طبیعی می‌تواند موجب بهبودی افسردگی، اضطراب و کیفیت خواب شود. ارتباط بین افسردگی و عدم وجود نور طبیعی مناسب، کاملاً مشهود است. دمای محیط از جمله عوامل دیگر سازنده آسایش اقلیمی است که افزایش آن از سطح آسایش، با میزان خشونت و پرخاشگری آنها خصوصاً در کنار عوامل مخلی چون سر و صدا، ازدحام و شلوغی در ارتباط است. (حکیمیان، مظهری، ۱۳۹۸: ۱۳)

۳-۶- تراکم جمعیتی مناسب (کاهش ازدحام و شلوغی)

شلوغی و ازدحام جمعیت (افزایش تعداد نفر در سطح) افراد را به تعاملات ناخواسته با دیگران سوق داده است که می‌تواند به رفتارهای پرخاشگرانه منجر شود. (حکیمیان، مظهری، ۱۳۹۸: ۱۳) تراکم جمعیتی به نسبت تعداد جمعیت به واحد سطح گفته می‌شود. مقیاس تراکم جمعیتی در مطالعات شهری با عنوان «نفر در هکتار» شناخته می‌شود. بیشترین کاربرد این نوع تراکم در شهرسازی و در تعیین تراکم مسکونی است و به دو شکل زیر محاسبه می‌شود:

- تراکم ناخالص مسکونی: به نسبت مقدار جمعیت ساکن به کل مساحت یک محدوده شهری یا تمام شهر، گفته می‌شود.
- تراکم خالص مسکونی: نسبت تعداد جمعیت ساکن به مساحت زمین‌های مسکونی در یک محدوده شهری یا تمام شهر تراکم خالص مسکونی تعریف می‌شود.

۳-۷- تعلق و دلبستگی به مکان

حس تعلق از مهم‌ترین ابعاد رابطه انسان و مکان است. انسان هنگامی که در تعامل با مکان قرار می‌گیرد، بدان معنا بخشیده، نسبت به آن احساس تعلق کرده و دل‌بسته آن می‌شود. (کلویز و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۹۵) مطالعات متعددی نشان داده‌اند که وجود دلبستگی به محل زندگی در سلامت روان، رفتار فردی و عملکرد اجتماعی ساکنان نقش مؤثری دارد. مردمی که همبستگی عاطفی یا تعلق مکانی به یک واحد همسایگی، پارک یا دیگر محیط‌ها را احساس می‌کنند، تعهد بیشتری به اجتماعات محلی اطراف آن مکان دارند و سطح بالاتری از سلامت روان و سطح پایین‌تری از احتمال رفتن از آن مکان را تجربه می‌کنند. (حکیمیان، مظهری، ۱۳۹۸: ۱۴)

۳-۷-۱- معضل مسکن در حاشیه‌نشینی شهری

حاشیه‌نشینی و زاغه‌نشینی پدیده‌ای است که بعد از انقلاب صنعتی همراه با توسعه شهرها در کشورهای پیشرفته و سپس در کشورهای در حال توسعه گسترش بیشتری یافته و در حال حاضر نیز ادامه دارد؛ و به طور کلی حاشیه‌نشینی در متون تخصصی علوم مرتبط به اجتماع و شهر، با عنوان‌های دیگری چون اسکان غیر رسمی، اسکان خودرو، اسکان ناهنجار یا نابسامان، اسکان عدوانی، آلونک و زاغه‌نشینی و اصطلاحاتی از این دست نیز خوانده شده است. عده‌ای بر این باور هستند که حاشیه‌نشینی کسانی هستند که در سکونتگاه‌های غیرمتعارف با ساکنین بافت اصلی شهر زندگی می‌کنند. گروه‌های مزبور بیشتر بر اثر نیروی دافعه خاستگاه چون فقر و بیکاری و کمتر عوامل جاذب شهری از زادگاه خود (روستا، ایل یا شهر) رانده شده و به شهری دیگر روی آورده‌اند؛ از آنجا که اکثریت این گروه‌ها بی‌سواد بوده و مهارت لازم را جهت جذب در بازار کار شهر را ندارند، عامل پسران شهری نیز آنها را از شهر رانده و به حاشیه‌کشانده است. جمعیت شناور در شهرها، از جمله روستائیان تهی‌دست مهاجر، ساختار روابط و

کارکرد های اجتماعی متضادی در شهرها پدید آورده‌اند. این مهاجرین در جامعه شهری جذب و ادغام نشده‌اند و در فضاهایی زندگی می‌کنند که فاقد ساختار سکونتی متعارف می‌باشد. اینان بر روی زمین دیگران، با خودیاری و خودسازی، سکونتگاه‌های نامتعارف و محقر شهری را پدید می‌آورند که در عین حال مأمونی هم برای مهاجران تازه وارد است. حاشیه‌نشینی به محله مسکونی غیر متعارف شهری اطلاق می‌شود. جایی که در آن خیابان‌ها و کوچه‌ها کثیف و نیمه ویران بوده و از نظم رایج در بطن اصلی شهر خبری نیست. حاشیه‌نشینی در رابطه مستقیم با کمبود زمین شهری و قحطی مسکن است. (رضایی، کمانداری، ۱۳۹۳: ۱۸۳)

در شهرک (روستا) الله‌آباد فقط زمین برای ساخت‌وساز وجود داشته و هیچ مدیریت و نظارتی بر ساختمان سازی نشده است. در این روستا (۱۴۰۰) دیده شد که ده نفر، پدر، مادر، سه برادر، سه خواهر، زن برادر و برادرزاده‌ای در دو اتاق زندگی و ماهیانه هفتصد هزار تومان اجاره پرداخت می‌کردند. در شرایطی که یکی از اتاق‌ها در نداشت و با پتو جلوی سرمای سوزان و خشک کرمان را گرفته بودند؛ فاقد حمام بود، سرویس بهداشتی آب لوله کشی نداشت و بسیاری موارد مشابه با مشکلات متفاوت تا جایی که می‌توان ساختمان‌سازی نامطلوب را به کل سکونتگاه‌های شهرک الله‌آباد تعمیم داد.

۳-۷-۲- دلبستگی مکانی در کودکان روستای الله‌آباد کرمان

در تعریف اجمالی دلبستگی مکانی به عنوان مفهومی جدید، می‌توان گفت؛ پیوندی میان شخص و محیط است که ابعاد مختلف انسانی و مکانی آن از ویژگی‌های خاصی نیز برخوردار است. اگرچه ابعاد دلبستگی مکانی وابستگی بسیاری به مسائل اجتماعی دارد؛ اما در ابعاد مکانی آن می‌توان قابلیت‌هایی را ارائه نمود که در تصمیم‌گیری‌های مربوط به فضاهای عمومی در شهرها نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. (کریمی، ۱۳۸۹: ۱)



تصاویر شماره ۴ - نمونه خانه‌های روستای الله‌آباد (مأخذ: نویسنده، ۱۴۰۰)

از خانه همیشه بعنوان مأمن یاد شده است و طی پژوهش‌های انجام شده بیشترین حس تعلق به مکان به محل سکونت است؛ اما سکونتگاه باید از ویژگی‌های کالبدی برخوردار باشد تا این حس بوجود آید. وقتی خانه‌ای حمام ندارد و باید در سرویس بهداشتی استحمام و در بعضی از خانه‌ها باید از سرویس بهداشتی فاقد آب لوله‌کشی استفاده کرد. (عکس سمت راست از تصویر شماره ۴) چنین خانه‌هایی درون کودک نمی‌تواند حس تعلق به سکونتگاه را بوجود آورد؛ این کودکان از محل زندگی‌شان متنفر بودند.

۸-۳- بزهکاری در کودکان

بزهکاری، به لحاظ اصطلاح حقوقی معادل جرم (هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل پیش‌بینی شده در قانون) به ویژه در ارتباط با جرائم ارتكابی از سوی اطفال و نوجوانان به کار گرفته می‌شود و از نظر جرم‌شناسان، بزهکاری کودکان و نوجوانان شامل همه خطاهای عمومی است که افراد بین ۱۲ تا ۲۰ سال مرتکب می‌شوند. برخی از پژوهشگران مرز نوجوانی را ۱۳ تا ۱۹ سالگی می‌دانند. برخی دیگر معتقدند نوجوانی حدود ۱۰ سالگی آغاز و در اوان ۲۰ سالگی خاتمه می‌یابد. خانواده، گروهی است متشکل از افرادی که از طریق پیوند زناشویی، همخونی یا پذیرش، با یکدیگر به عنوان شوهر، زن، مادر، پدر، برادر، خواهر و فرزند در ارتباط متقابل هستند و فرهنگ مشترکی پدید آورده و در واحد خاصی زندگی می‌کنند. (سهراب زاده، سعیدی، ۱۳۹۹: ۱۱۸) وقتی در شهرک الله‌آباد با پسران رده سنی ۱۴-۱۵ سال مصاحبه شده است؛ به راحتی از دزدی بودن آب و برق مصرفی خود گفته‌اند؛ که این امر خود می‌تواند مشوق کودکان در مسیر بزهکاری باشد.

۳-۹- بی ثباتی هویتی فرزندان در جریان اعتیاد والدین

پدیده بی ثباتی هویتی فرزندان حاصل از این است که فرزند در بستر ابتلای والدین به اعتیاد به مواد مخدر ابتدا به لحاظ فردی در خودشناسی و درک هویت خود دچار تردید می شود؛ سپس در ارتباط با جامعه به لحاظ اجتماعی دچار تعارض است؛ در واقع فرزند آسیب دیده نمی تواند هویت خود را در نوسان بین آنچه هست و آنچه مطلوب است بسازد. او همواره در تلاش است هویت خود را با انکار آنچه در خانواده بر او گذشته است، کتمان کند. در چنین شرایطی هویت فرزندان با والدین معتاد، در حالی معلق میان واقعیت و تلخی آنچه هست و تخیل آنچه باید باشد قرار دارد. این شرایط بی ثباتی هویتی خوانده می شود؛ زیرا فرزند به فراخور شرایطی که در آن قرار می گیرد سعی در تطبیق خود با شرایط موجود دارد. (حقی، نجفی اصل، ۱۳۹۸: ۱۸۴)

۴- روش پژوهش

پژوهش حاضر براساس هدف، زیر مجموعه تحقیقات کاربردی است و براساس روش، زیرمجموعه تحقیقات کمی است که با روش پیمایش انجام شده است. پرسشنامه افسردگی کودکان و نوجوانان ماریا کوآکس^۱ (CDI) در سال ۱۴۰۰ به صورت کاملاً تصادفی و چند مرحله‌ای بین ۱۰۰ کودک ساکن روستای الله‌آباد کرمان توزیع و با راهنمایی کامل پر شده است. پرسشنامه از روایی صوری جهت پاسخگویی به اهداف و سوالات تحقیق برخوردار می باشد. ابزار گردآوری داده ها نیز پرسشنامه استاندارد ماریا کوآکس (CDI) بوده است؛ که برحسب بخش چهارم فایل پرسشنامه، نمره‌گذاری افسردگی کودکان و نوجوانان ماریا کوآکس نتایج تحقیق بررسی شده است.

۴-۱- روایی و پایایی پرسشنامه افسردگی کودکان و نوجوانان ماریا کوآکس (CDI)

سیلورمن^۲ و همکاران (۱۹۸۹) همسانی درونی پرسشنامه حاضر را در دامنه‌ای از ۰/۷۱ تا ۰/۹۴ گزارش کردند. ایوارسون^۳ و همکاران (۲۰۰۶)، اعتبار بازآزمایی را از ۰/۳۸ تا ۰/۸۷ گزارش کردند. در ایران استوار و رضویه (۱۳۸۲) پایایی پرسشنامه را به روش بازآزمایی با فواصل زمانی دو هفته‌ای ۰/۹۱ گزارش کرده‌اند. رجبی و عطاری (۱۳۸۳) در پژوهش خود که بر روی ۴۰۰ نفر از دانش‌آموزان دختر و پسر انجام دادند ضریب پایایی پرسشنامه را به روش بازآزمایی ۰/۸۱ محاسبه کرده‌اند. (مؤسسه پژوهشی ایران تحقیق، ۲۰۱۷)

۴-۲- پرسشنامه ماریا کوآکس و یافته‌های تحقیق

پرسشنامه افسردگی کودکان و نوجوانان ماریا کوآکس در سال ۱۹۷۹ توسط یک روانشناسی بالینی به نام ماریا کوآکس طراحی و سپس منتشر شد. در این پرسشنامه ۲۷ سوال مطرح شده است که احساسات و افکار مختلف را ارائه می‌دهد. یک سوالی باید خوانده شود و پاسخ هر یک از جملات باید با توجه به رفتار، احساسات و افکار فرد در طول دو هفته اخیر باشد؛ تا سوال اول جواب داده نشده است؛ سراغ سوال دوم نباید رفت. پاسخ صحیح یا غلط وجود ندارد، باید جمله‌ای انتخاب شود که بیشتر حالت و احساسات را در دو هفته گذشته نشان دهد. (مؤسسه پژوهشی ایران تحقیق، ۲۰۱۷) ابزار گردآوری یافته‌های جدول شماره ۳ پرسشنامه استاندارد ماریا کوآکس بوده است که توسط ۱۰۰ کودک به صورت کاملاً تصادفی در رده سنی ۸ تا ۱۵ سال ساکن روستای الله‌آباد کرمان پر شده است.

جدول شماره ۳- پرسشنامه ماریا کوآکس همراه با پاسخ کودکان (مأخذ: نویسنده، ۱۴۰۰)

ردیف	سؤال	الف	ب	ج
۱	الف) من گاهی اوقات غمگین هستم ب) من بسیاری از اوقات غمگین هستم ج) من همیشه غمگین هستم	۵۸	۱۴	۲۸
۲	الف) هیچ چیز کاملاً بر وفق مراد من نیست ب) من مطمئن نیستم که همه چیز بر وفق مراد من باشد ج) همه چیز بر وفق مراد من است	۳۰	۳۶	۳۴
۳	الف) من تقریباً به هر کاری دست می زنم موفق می شوم ب) من در بعضی کارها موفق نیستم ج) من در خیلی کارها موفق نیستم	۱۸	۳۴	۴۸
	الف) خیلی چیزها برایم جالب و سرگرم کننده است	۳۰		

1. Maria Quakes
5. Silverman
6. Ivarson

ردیف	سؤال	الف	ب	ج
۴	(ب) چیزهای کمی وجود دارند که برایم سرگرم کننده باشند (ج) هیچ چیز برایم سرگرم کننده نیست		۴۸	۲۲
۵	(الف) من همیشه احساس ناراحتی می کنم (ب) من اغلب اوقات احساس ناراحتی می کنم (ج) من گاهی اوقات احساس ناراحتی می کنم	۲۰	۲۶	۵۴
۶	(الف) گاهی اوقات، فکر می کنم که حادثه نامطلوبی برایم اتفاق خواهد افتاد (ب) می ترسم که حادثه نامطلوبی برایم اتفاق افتد (ج) من مطمئن هستم که حوادث وحشتناکی برایم اتفاق خواهد افتاد	۴۸	۳۸	۱۲
۷	(الف) از خودم بیزارم (ب) من از خودم خوشم نمی آید (ج) من خیلی از خودم راضی هستم	۴	۱۲	۸۲
۸	(الف) وقتی اوضاع رو به راه نیست من خود را مقصر می دانم (ب) وقتی اوضاع رو به راه نیست، بیشتر اوقات خود را مقصر می دانم (ج) وقتی اوضاع رو به راه نیست، معمولاً من مقصر نیستم	۳۲	۳۰	۳۴
۹	(الف) من همیشه به مرگ فکر می کنم (ب) من اغلب به مرگ فکر می کنم (ج) من گاهی اوقات به مرگ فکر می کنم	۱۶	۵۴	۲۲
۱۰	(الف) من دلم می خواهد همیشه گریه کنم (ب) من اغلب اوقات دلم می خواهد گریه کنم (ج) من گاهی اوقات دلم می خواهد گریه کنم	۱۴	۵۲	۱۶
۱۱	(الف) همیشه چیزی مرا آزار می دهد (ب) اغلب اوقات چیزی مرا آزار می دهد (ج) گاهی اوقات چیزی مرا آزار می دهد	۱۶	۴۴	۲۰
۱۲	(الف) من خیلی دوست دارم که با دیگران باشم (ب) معمولاً دوست ندارم که با دیگران باشم (ج) من هیچ گاه دوست ندارم که با دیگران باشم	۶۲	۱۶	۱۶
۱۳	(الف) وقتی در برابر چند موضوع قرار می گیرم نمی توانم تصمیم بگیرم (ب) وقتی در برابر چند موضوع قرار می گیرم تصمیم گیری برایم دشوار است (ج) وقتی در برابر چند موضوع قرار می گیرم خیلی راحت تصمیم می گیرم	۲۰	۳۶	۳۸
۱۴	(الف) قیافه و وضع جسمی من خیلی خوب است (ب) چیزهایی در بدن و قیافه من وجود دارد که از آنها خوشم نمی آید (ج) من خود را زشت تصور می کنم	۶۴	۲۴	۴
۱۵	(الف) من برای انجام تکالیف خود همیشه باید به خود فشار بیاورم (ب) برای انجام تکالیف خود غالباً باید به خود فشار بیاورم (ج) برای انجام تکالیف خود هیچ مشکلی حس نمی کنم	۲۲	۲۲	۴۸
۱۶	(الف) شب ها همیشه به زحمت به خواب می روم (ب) من اغلب، به زحمت به خواب می روم (ج) من شب ها خیلی زود و راحت می خوابم	۲۲	۲۲	۵۰
۱۷	(الف) من گاهی اوقات احساس خستگی می کنم (ب) من اغلب اوقات احساس خستگی می کنم (ج) من همیشه احساس خستگی می کنم	۱۶	۳۲	۴۴
۱۸	(الف) اکثر اوقات، میل به غذا خوردن ندارم (ب) اغلب اوقات، میل به غذا خوردن دارم (ج) من همیشه اشتهاى خوبی برای خوردن دارم	۳۲	۱۸	۴۴
۱۹	(الف) وقتی جایی از بدنم درد می گیرد نگران نمی شوم (ب) وقتی جایی از بدنم درد می گیرد اغلب نگران می شوم (ج) وقتی جایی از بدنم درد می گیرد همیشه نگران می شوم	۴۲	۲۸	۲۲

ردیف	سؤال	الف	ب	ج
۲۰	الف) من هیچ گاه احساس تنهایی نمی کنم ب) من اغلب اوقات احساس تنهایی می کنم ج) من همیشه احساس تنهایی می کنم	۵۰	۳۲	۱۴
۲۱	الف) من هیچ گاه در مدرسه تفریح نمی کنم ب) من به ندرت در مدرسه تفریح می کنم ج) من غالباً در مدرسه تفریح می کنم	۲۰	۱۸	۵۰
۲۲	الف) من دوستان زیادی دارم ب) من چند دوست دارم ولی دلم می خواهد دوستان بیشتری داشته باشم ج) من هیچ دوستی ندارم	۳۸	۵۰	۶
۲۳	الف) نمرات درسی من خوب است ب) نمرات درسی من، مثل سابق خوب نیست ج) من در درس هایی که قبلاً نمرات خوبی می آوردم، نمرات بد آورده ام	۳۶	۲۶	۲۶
۲۴	الف) من کارها را مانند دیگران به خوبی انجام می دهم ب) اگر دلم بخواهد می توانم کارها را مثل دیگران انجام دهم ج) من کارها را نه بهتر و نه بدتر از دیگران انجام می دهم	۴۶	۲۰	۳۲
۲۵	الف) هیچ کس واقعاً مرا دوست ندارد ب) من شک دارم که کسی مرا دوست داشته باشد ج) من مطمئن هستم که کسی مرا دوست دارد	۱۰	۷۲	۱۴
۲۶	الف) معمولاً کاری را که از من می خواهند انجام می دهم ب) اغلب اوقات، کاری را که از من می خواهند انجام نمی دهم ج) من هیچ گاه کاری را که از من می خواهند انجام نمی دهم	۵۶	۳۴	۸
۲۷	الف) من با دیگران تفاهم دارم ب) اغلب اوقات با دیگران دعوا می کنم ج) من همیشه با دیگران دعوا می کنم	۴۴	۴۲	۸

۳-۴- نمره گذاری افسردگی کودکان و نوجوانان ماریا کوآکس و تحلیل یافته ها

پرسشنامه افسردگی کودکان CDI یک مقیاس خودسنجی نشانه مدار ۲۷ آئمی است که برای کودکان و نوجوانان ۷ تا ۱۷ سال مناسب است. هر ماده تست سه انتخاب صفر، ۱ و ۲ دارد و نمرات بالاتر، نشانه افزایش شدت است. صفر به معنای نبودن نشانه بیماری، ۱ نشانه متوسط و ۲ نشانه قطعی بودن بیماری محسوب می شود. نمرات کلی CDI بین دامنه صفر تا ۵۴ است و حدود ۵۰ درصد ماده تست ها با گزینه ای شروع می شوند که بیانگر بالاترین شدت نشانه بیماری است. برای بقیه، توالی گزینه ها معکوس می گردد. نقطه تشخیص افراد افسرده نمره بالاتر از ۱۸ است. ارزیابی وجود و مراحل بیماری، برحسب نمره، به صورت زیر است.

- نمره ۰ تا ۸ سالم

- نمره ۹ تا ۱۹ دارای علائم افسردگی ولی بدون اختلال افسردگی

- نمره ۲۰ و بالاتر برچسب افسردگی می خورد و هر چه بیشتر باشد میزان افسردگی نیز بیشتر خواهد بود. (مؤسسه پژوهشی ایران تحقیق، ۲۰۱۷)

پس از نمره دهی به کودکانی که به پرسش نامه پاسخ داده بودند. (جامعه آماری آزمایشی ۱۰۰ نفر) و با توجه به جدول شماره (۴)، ۱۲٪ درصد از این جامعه آماری سالم، ۵۸٪ درصد دارای علائم افسردگی ولی بدون اختلال افسردگی و ۳۰٪ درصد مبتلا به افسردگی بودند.

جدول شماره ۴- جدول نمره گذاری افسردگی ماریا کوآکس (مأخذ: نویسنده، ۱۴۰۰)

بازه نمره	افراد سالم	افراد در معرض افسردگی	افراد افسرده
۰ تا ۸	۱۲		
۹ تا ۱۹		۵۸	
بالاتر از ۲۰			۳۰
	۱۲٪	۵۸٪	۳۰٪

نتیجه به دست آمده آماری هشداردهنده می‌باشد که بیان می‌کند تقریباً یک سوم جامعه آماری مورد آزمایش از کودکان ساکن روستای الله‌آباد مبتلا به افسردگی و بیش از نیمی از آنها مبتلا به افسردگی اما بدون عوارض ظهوری بیماری می‌باشند و کماکان کودکان سالم نیز در معرض خطر ابتلا هستند.

۵- نتیجه‌گیری

دردهای اخیر به علت‌های زیاد مانند مهاجرت، بلایای طبیعی مثل زلزله و عوامل اقلیمی، عوامل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و اشکال در نظام برنامه‌ریزی شهری، جمعیت شهری بدون کنترل در حال زیاد شدن است. متأسفانه شاهد هستیم که شرایط اقتصادی و نبود توانایی در کالبد شهری و مدیریت شهری برای ایجاد امکانات و خدمات جمعیت افزوده شده، حومه‌نشینی بیشتر از قبل رواج پیدا کرده و همچنان در حال توسعه است. ویژگی نسبتاً مشترکی بین حومه‌نشینان شهری وجود دارد؛ اغلب این افراد مهاجر و از بعد اقتصادی ضعیف هستند. این افراد عموماً اگر مهاجر درون شهری باشند بخاطر بنبه مالی ضعیف برای زندگی راحت‌تر به حومه‌ی شهر پناه آورده‌اند؛ اگر مهاجر بین شهری باشند برای تحصیل یا اشتغال و ... از شهر خود کوچ کرده‌اند و اگر از روستا آمده باشند برای فرار از بیکاری، کمبود امکانات و برای رشد و تجربه‌ی زندگی بهتر آمده‌اند. متأسفانه وقتی نتوانند زیر فشار اقتصادی شهری دوام بیاورند به سکونتگاه‌های حاشیه شهر پناه می‌برند. سکونتگاه‌های غیررسمی بخشی از بافت شهری هستند که عمدتاً مهاجرین روستایی و تهیدستان شهری را در خود جای داده‌اند و بدون مجوز و خارج از برنامه‌ریزی طرح‌های جامع و تفصیلی در درون و خارج از محدوده قانونی شهرها به صورت خودرو به وجود آمده‌اند. مسائل شهری متعددی چون کمبود تأسیسات زیر بنایی مانند: شبکه‌های ارتباطی مناسب، منابع آب سالم و تصفیه شده، سیستم تخلیه‌ی فاضلاب شهری، مرکز بهداشت، مراکز آموزشی و ... از یک طرف و وجود مشاغل کاذب، شیوع بیماری‌ها، جرم و جنایت و جدایی‌گزینی از شرایط متعارف شهری، از بارزترین خصوصیات مناطق حاشیه نشین است که با چهره‌های متفاوت و ناهنجار به شکل محله‌های تهی‌دست نشین در لبه‌های شهری نمایان شده‌اند. با توجه به نتایج حاصل از این پژوهش، حاشیه‌نشینی شهری، جامعه انسانی را تحت تأثیر خود قرار داده است؛ در این پژوهش پس از مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی عوامل مؤثر در شکل‌گیری حاشیه‌نشینی، مطالعات میدانی با استفاده از شیوه مصاحبه و پرسشنامه انجام شد؛ که نتایج حاصل بیانگر تأثیرات منفی بر کودکان بوده است. نتیجه به دست آمده آماری هشداردهنده می‌باشد که بیان می‌کند تقریباً یک سوم جامعه آماری مورد آزمایش از کودکان ساکن روستای الله‌آباد مبتلا به افسردگی و بیش از نیمی از آنها مبتلا به افسردگی اما بدون عوارض ظهوری بیماری می‌باشند و کماکان کودکان سالم نیز در معرض خطر ابتلا هستند. ساکنان این محله اغلب مهاجر و از نظر سطح سواد، درآمد، نوع شغل در سطح پایینی نسبت به ساکنان سایر محلات در شهر قرار دارند و همچنین وضعیت مسکن آنها، از نظر بهداشت و زیرساخت در سطح محله بسیار نامطلوب می‌باشد. مهم‌ترین گام که باید برداشته شود به امید آنکه بتواند به این قشر سرنوشت‌ساز کمک کند ایجاد حس تعلق به مکان درون آنها است. مطالعات متعددی نشان داده‌اند که وجود دلبستگی به محل زندگی در سلامت روان، رفتار فردی و عملکرد اجتماعی ساکنان، نقش مؤثری دارد. مردمی که همبستگی عاطفی یا تعلق مکانی به یک واحد همسایگی، پارک یا دیگر محیط‌ها را احساس می‌کنند، تعهد بیشتری به اجتماعات محلی اطراف آن مکان دارند و سطح بالاتری از سلامت روان و سطح پایین‌تری از احتمال رفتن از آن مکان را تجربه می‌کنند. کودک موفق امروز، در آینده تبدیل به بزرگسالی موفق خواهد شد که از اعتماد به نفس و عزت نفس بسیار خوبی برخوردار می‌شود. موفقیت در کودک به معنای رسیدن به یک نتیجه مطلوب، بدست آوردن آرزوهای دست‌یافتنی و منطقی و یا رسیدن به هدف مشخصی است. به طور کلی می‌توان گفت که افراد موفق، زندگی را همراه با خوشحالی، سلامت و توانایی لذت بردن از آن، تعریف می‌کنند. ایجاد حس تعلق به مکان در شهر در دستان مدیران و برنامه‌ریزان شهری، گروه شهرسازی و گروه معماری است. نقش فضاهای عمومی، در شکل‌دهی به شخصیت کودکان و جوانان، سلامت فیزیکی و روانی، کاهش جرم و جنایت، ایجاد تنوع و سرزندگی در جامعه شهری، ایجاد تحرک درون فضاهای شهری و غیره. نقش اصلی و حیاتی فضاهای عمومی شهر، فراهم آوردن امکاناتی برای تسهیل روابط انسان‌ها با یکدیگر است. نبود چنین فضایی در شهرهای ما بیان‌کننده این است که مفهوم شهروندی هنوز برای جامعه شهری یک مفهوم مبهم و نامأنوس است. چرا که مردم عادت کرده‌اند در نبود فضاهای عمومی، آزادی را فقط در چارچوب خانه‌های خود و به قولی همان "چهاردیواری اختیاری" ببینند. نتیجه آن شهروندانی خنثی و بی‌تفاوت است که هیچ عکس‌العملی نسبت به سرنوشت شهر و جامعه خود ندارند. هرچه قدر امکانات فضاهای عمومی در مناطق مسکونی بهتر باشد و استفاده‌کنندگان از فضاهای عمومی احساس امنیت بیشتری کنند باعث افزایش مشارکت آنان در فضاهای عمومی خواهد شد. اینکه کودک در چگونه خانه‌ای پرورش می‌یابد کاملاً شخصی و ارتباط مستقیم با شرایط اقتصادی و فرهنگی خانواده دارد اما حق کودک تهی‌دست از کودکی که در خانواده‌ای غنی و ثروتمند زندگی می‌کند، از شهر کمتر نیست. حق شهروندی برای هر دو کودک یکسان است. کودکان در فضاهای عمومی شهر مثل (مدرسه، میدان، صف‌های نانوايي، پارک‌ها و ...) با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و همین برقراری ارتباط باعث رشد کودک و شکل‌گیری شخصیتش می‌شود.

منابع

۱. یاری حامد، هزارجریبی جعفر، (۱۳۹۱)، بررسی رابطه احساس امنیت و اعتماد اجتماعی میان شهروندان، مطالعه موردی ساکنان شهر کرمانشاه، نشریه پژوهش های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال اول، شماره چهارم.
۲. دهقانی حمید، (۱۳۹۸)، تیپولوژی مناطق ۵۱ گانه شهری اصفهان با تأکید بر آسیب های اجتماعی محله های فوق بدخیم، نشریه جامعه شناسی کاربردی، سال سی ام، شماره پیاپی (۷۴)، شماره دوم.
۳. مشکین فر آدینه، لطفی حیدر، صحراگرد غلامرضا، (۱۳۹۶)، بررسی رابطه برنامه ریزی شهری و شهرسازی و احساس امنیت شهروندان، مطالعه موردی معابر شهر رشت در راستای ارائه مدلی کاربردی برای ایران، فصلنامه علمی-پژوهشی، جغرافیا، برنامه ریزی منطقه ای، سال هفتم، شماره سوم.
۴. مهرگان نادر، روح الله رضائی، (۱۳۸۸)، اثر ساختار سنی جمعیت بر رشد اقتصادی، فصلنامه پژوهش های اقتصادی ایران، سال سیزدهم، شماره ۳۹
۵. قاسم زاده بهنام، رسول زاده اقدم صمد، رهبری پور کسری، (۱۳۹۰)، بررسی تأثیر فضاهای عمومی شهری و فضای مجازی در شکل گیری افکار عمومی جامعه، مطالعات جامعه شناسی، سال سوم، شماره یازدهم
۶. رضایی محمدرضا، کمانداری محسن، (۱۳۹۳)، بررسی و تحلیل علل شکلگیری حاشیه نشینی در شهر کرمان (نمونه مورد مطالعه محلات سیدی و امام حسن)، فصلنامه علمی-پژوهشی برنامه ریزی فضایی (جغرافیا)
۷. کریمی مهرداد، (۱۳۸۹)، مقاله دل بستگی مکانی، بررسی مفهومی و کارکردی، نشریه علمی منظر
۸. میرهادی توران، (۱۳۸۲)، سرانجام کودک کیست؟ مفهوم کودکی چیست؟ فصل نامه داخلی شورای کتاب کودک، سال ۴۱، شماره ۱
۹. قربانی پارام افشین، (۱۴۰۱)، نقش سرمایه فرهنگی در احساس امنیت حاشیه نشینان، مورد مطالعه: فضاهای معماری شهر کرمان، فصلنامه آینده پژوهی شهری، دوره ۲، شماره ۱
۱۰. حکیمیان پانته آ، مظهری مهرنوش، (۱۳۹۸)، تدوین چارچوب مفهومی تبیین کننده کیفیت های طراحی شهری مرتبط با سلامت روان ساکنان محلات شهری، گفتمان طراحی شهری
۱۱. سهراب زاده مهران، سعیدی مژگان، (۱۳۹۹)، عوامل مؤثر بر بزهکاری کودکان و نوجوانان، فصلنامه رهیافت پیشگیری از جرم، دوره ۳، شماره ۴
۱۲. حقی سمیه، نجفی اصل زهره، (۱۳۹۸)، مطالعه جامعه شناختی بی ثباتی هویتی فرزندان در جریان اعتیاد والدین نشریه جامعه شناسی کاربردی
۱۳. مؤسسه پژوهشی مجازی ایران تحقیق، (۲۰۱۷)، فایل پرسشنامه افسردگی کودکان ماریاکوآکس <http://www.irantahgig.ir>
۱۴. کلپورحجت الله رشید، عباس زاده دیز فاطمه، اکبری حسن، شاهرودی کلور مرضیه، (۱۳۹۹)، بررسی حس تعلق به مکان از منظر شاخص های کالبدی و غیرکالبدی در خانه های مستقل و مجتمع های آپارتمانی (مطالعه موردی: شهر تبریز)، جغرافیا و توسعه فضای شهری
۱۵. معینی محمد مهدی، (۱۳۹۹)، وبسایت عابرشهر، شهرسازی و برنامه ریزی شهری، تفاوت دسترسی و نفوذپذیری، <http://www.abershahr.com>

مطالعات طراحی شهری و پژوهش‌های شهری

فصلنامه علمی تخصصی مطالعات طراحی شهری و پژوهش‌های شهری

سال ششم، شماره ۱ (پیاپی: ۲۲)، بهار ۱۴۰۲